



## اگر زنده به گور کردن دختران در عربستان رواج میداشت، باید نسل

### منقرض می شد

( ترجیح پسر به دختر، به خاطر نقش تولیدی و اقتصادی و نیز اعتبار جاهلی، در میان اغلب اقوام بشر بوده و متأسفانه هنوز هم رواج دارد. لذا هر شخص یا قومی که جاهل تر باشد، بیشتر نسبت به آن حساسیت نشان داده یا می دهد.

هم اکنون نیز در سرتاسر فرهنگ های دنیا، از غرب به اصطلاح متمدن گرفته تا شرق بت پرست، و حتی در میان ملل مسلمان نیز این نگاه جاهلانه وجود دارد، تا جایی که پدران به اولاد پسر مباحات می کنند و گاه زنان (بدون در نظر گرفتن نقش پدر در جنسیت نوزاد)، بابت به دنیا آوردن دختران، مورد نکوهش و سرزنش قرار می گیرند.

این فرهنگ منحط و عادت غلط در میان اقوام عرب که بسیار جاهل بودند نیز رواج داشت، چنان چه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید، وقتی خبر تولد دختر به آنها داده می شد، از فرط خشم، رنگ صورت شان سیاه می گردید.

اما چنین نبود که همگان دختران خود را بکشند و یا زنده به گور کنند، بلکه ریشه تاریخی این رفتار جاهلی، به جنگ قوم بنی تمیم، با سپاه کسری بر می گردد.

در این جنگ قوم بنی تمیم شکست خورد و عده ای از زنان آنها به اسارت گرفته شده و به عنوان کنیز به دربار کسری آورده شدند. پس از مدتی دوباره صلح برقرار گردید و بنی تمیم زنان اسیر خود را مطالبه کردند. اما کسری آن زنان را در ماندن یا بازگشت مخیر کرد و اکثریت آنها باز نگشتند. از این رو بنی تمیم، ضمن عصبیت از ماجرا، وجود دختران و زنان را ننگ خود قلمداد کردند و تصمیم گرفتند تا از این پس آنان را بکشند تا در جنگی اسیر نشوند و اگر شدند، ماندن را

بر بازگشت ترجیح ندهند. و البته این رفتار در میان برخی از اقوام دیگر عرب نیز شیوع یافت و دختر گُشی به صورت یک رسم عرب جاهلی درآمد.)

[... آیا اعراب پیش از اسلام دختران خود را «زنده به گور» می کردند؟

«زنان عرب در دوره "جاهلیت"! از خود استقلال و اراده داشتند و دارای آزادی و مقام بودند و عده ای از آنان در جنگ و سیاست و ادب و شعر و تجارت و صنعت بنام گشتند...» نخست به نکاتی که مسلمانان در باره زنده بگور کردن دختران در اسلام پیش از اسلام بیان می کنند پرداخته و سپس ایرادات تاریخی و نظری این مقله را بررسی می کنیم:

باور عموم مسلمانان بر اینست که «فرهنگ جاهلی عرب، عزت و افتخار را در داشتن فرزندان پسر می دانست و نگهداری دختران را مایه ننگ و به همین دلیل آنها را می کشتند». برای نمونه، در ذیل تفسیر آیه ای «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» در صفحات ۱۸۶-۱۸۹، جلد ۲۶ «تفسیر نمونه» آمده که «از دردناک ترین و وحشیانه ترین پدیده های عصر جاهلیت عرب، پدیده «واد» است که در قرآن مجید مکرر به آن اشاره شده. گرچه، بعضی معتقدند: این جنایت در همه قبائل عرب عمومیت نداشته، و تنها در قبیله «کنده» (یا بعضی از قبائل دیگر) بوده است، ولی مسلماً مسئله نادری نیز محسوب نمی شده، و گر نه قرآن با این تأکید و بطور مکرر، روی آن صحبت نمی کرد.

به علاوه، این کار، به قدری وحشتناک است که حتی موارد نادر آن، قابل دقت و بررسی است. مفسران گفته اند: «در جاهلیت عرب، هنگامی که وقت وضع حمل زن فرا می رسید، همسرش حفره ای در زمین حفر می کرد و بالای آن می نشست، اگر نوزاد دختر بود، آن را در میان حفره پرتاب می کرد، و اگر پسر بود، آن را نگاه می داشت...»

توضیح بیشتر آنان هم عمدتاً مبتنی است بر این قطعه از تفسیر قرآن (از سید محمد حسین طباطبائی): «شروع این فرهنگ غلط به جنگ بنی تمیم با کسرای ایران باز می گردد، در آن جنگ عده ای از زنان قبیله، اسیر لشکر کسری شدند و آنان را به اسیری به دربار کسری بردند، در آن جا دختران را به عنوان کنیز نگاه داشتند و پس از مدتی که میان دو طرف صلح برقرار شد، بنی تمیم اسیران خود را مطالبه کردند، دربار کسری آنان را مخیر کرد که می خواهند به قبیله خود برگردند، یا در دربار بمانند. عده ای از دختران از رفتن به قبیله خویش خودداری نمودند، مردان قبیله غضبناک شده تصمیم گرفتند از این پس اگر دختر دار شدند، زنده دفن شان کنند، و همین کار را کردند. قبایل

دیگر نیز از آنها یاد گرفته، کم کم این جریان در همه جا منتشر شد، و دخترکشی در میان آنان تبدیل به یک سنت شد.»

و یا چنان که در صفحه ای ۹۱۹ کتاب تاریخ تمدن اسلام نوشته ای جرجی زیدان آمده است: «میگویند این قبیله بر نعمان پادشاه حیره باج و خراج (جزیه) میداد و چندی از پرداخت جزیه امتناع کرد و نعمان بر سر آنان لشکر کشید و فرزندان آنها را اسیر گرفت و این عمل بر قبیله بنی تمیم گران آمد. لذا کسانی نزد نعمان فرستاده، اموال و اولاد خود را خواستند. نعمان خواهش آنانرا نپذیرفت، آنها گفتند: پس زنان ما را پس بده، نعمان گفت: دختران شما شوهر کرده اند. من آنها را مخیر میکنم هر کدام خواستند پیش شوهرشان بمانند و هر کدام نخواستند شوهر خود را رها کرده پیش پدرها برگردند، همه دخترهای بنی تمیم نزد پدرها برگشتند، فقط دختر شخصی به نام قیس بن عاصم شوهر خود عمرو بن مشرج را رها نکرد، قیس از رفتار دختر خشمگین شده نذر کرد که از آن به بعد اگر دختری پیدا کرد او را بکشد و چه بسا که کسان و اهل قبیله از وی پیروی نمودند...». و آیه های ۵۸ و ۵۹ نحل از قرآن هم این مسئله را تکمیل می کند: «و چون یکی از آنان را به (تولد) دختر بشارت دهند (از فرط غیظ و غضب) صورتش سیاه گردد، در حالی که خشم گلایش را می فشارد.» و «از بدی بشارتی که به او داده شده از میان قبیله خود متواری شود (و نمی داند) آیا او را با سرافکنگی نگاه دارد یا (زنده) در زیر خاکش نهان سازد. هان، بد قضاوتی می کنند.» بر این توضیحات، ایراداتی چند وارد است:

\* موضوع زنده به گور کردن نوزاد دختر یا بالغ (حتی پسر یا مرد) در هیچ یک از منابع معتبر تاریخی اعراب و غیر اعراب ذکر نشده است. یا حداقل برای من که چند ماهی دنبال این نوع منابع در کتابخانه ها و اینترنت بودم چیزی یافت نشد.

\* تنها روایات مربوط به این موضوع ظاهراً فقط به یک شخص نسبت داده شده که از وی به نام «قیس بن عاصم» از قبیله ای «بنی تمیم» یاد شده است.

\* بر اساس همان روایات، زمانی که «قیس» تصمیم به چنین کاری گرفت همزمان با دوره ای جوانی محمد بوده است و این نشان می دهد که این مسئله یک رسم و سنت چند صد ساله در فرهنگ پیشا اسلامی نبوده است.

\* ظاهراً، بعدتر، این شخص به اسلام روی می آورد و بنا به توصیه ای محمد دست از دخترکشی برمی دارد!

من شخصاً به منابع معتبری در این قسمت بر نخوردم و این بخش باز هم برگرفته از روایات و احادیث بی شماری است که به منابع عربی و نه چندان شناخته شده ای اشاره دارند. اما حتی با پذیرش این فرض، مدت زمانی بین دوره ای جوانی تا ادعای پیامبری محمد و به اسلام درآمدن «قیس» چندان طولانی نمی توانست باشد که بنا بر روایات وی بتواند هفده دختر خود را زنده به گور کند! (کتاب «آداب رفتار با دختران»).

\* چند روایت و حدیث دیگر مبنی بر رایج بودن دخترکشی در بین برخی قبایل عرب نیز فقط در داستان های بعد از محمد آمده و در منابع تاریخی قدیمی تر اشاره ای به این مسئله نیست. \* در همان کتاب «تاریخ تمدن اسلام» که به داستان زنده به گور کردن دختران پرداخته شده، در صفحه ای بعد (۹۲۰) به تعریف و توصیف زنان نامی عرب در جاهلیت می پردازد و از جمله گفته می شود: «زنان عرب در دوره جاهلیت از خود استقلال و اراده داشتند و دارای آزادی و مقام بودند و عده ای از آنان در جنگ و سیاست و ادب و شعر و تجارت و صنعت بنام گشتند...» و یا این که «غالباً مردان عرب در دوره جاهلیت اختیار ازدواج را به دختران وا می گذاردند و بدون رضایت دختران بزناشویی آنها رضایت نمی دادند. زنان قریش از سایر زنان بر شوهر خود مسلط تر بودند و بمردان تحکم می کردند...»

این توصیفات از وضعیت زنان ماقبل از اسلام کاملاً منافی توضیحاتی است که از طرف مورخین اسلامی از وضعیت ناگوار زن در جامعه ای عربی قبل از اسلام داده شده و می شود! اما هدف از پخش این اطلاعات نادرست تاریخی چیست؟ برخی، همچون دکتر «مرزوق بن تنباک» (پژوهش گر و استاد دانشگاه سعودی) زنده به گور شدن دختران را قصه پردازی می داند و بر این نظریه است که احتمالاً کشته شدگان، نوزادان حاصل از روابط نامشروع بوده که در تمامی جوامع معمولاً از بین برده می شدند و این فقط منحصر به نوزادان دختر نبوده است. از طرفی، از لحاظ تاریخی، شعوبیان باعث و بانی این نوع تبلیغات در راستای تحقیر اعراب دانسته می شوند که به نوبه ای خود عکس العملی بوده است به تحقیر غیرعرب ها و عجم ها از طرف خلفای اسلامی بخصوص بنی امیه. برخی دیگر بر این باورند که پیامبر اسلام نیاز به عناصری جدید برای تبلیغات برای اسلام و برتری آن بر آئین های پیشا اسلامی داشت و احتمالاً این یک نمونه ای عالی ولی منفی سیاست ورزی محمد در این زمینه بوده است.

گمان خود من هم بر این است که هم زمان با تغییرات اقتصادی و اجتماعی جوامع عرب زبان و نیاز به رسیدن به مرحله ای یک خدایی، اسلام نیازمند توجیه برتری خود بر سنن و آئین های ماقبل

خود بوده و می باید به استفاده از هرگونه موضوعی که می توانست جنبه ای تبلیغاتی در بین این جماعات داشته باشد، دست بزند. در این مورد خاص، احتمالاً استفاده (یا سوء استفاده) از قیس نامی که ممکن بوده بنا به اخبار درست یا نادرست تصمیم به کشتن دختران اش گرفته باشد (و این که آیا واقعاً دست به این کار زده یا نه هنوز در پرده ای ابهام است) وجود دارد و حتی اگر این چنین شخصیتی موجود نبود، دست به اختراع این نوع افراد زده می شد (چنان که روایات و احادیث صحبت از افراد متعددی می کنند که تنها نام قیس در منابع معتبر آمده است).

و باز هم بر این باورم که محمد نیازمند این نوع داستان سرایی های بی اساس به خصوص درباره ای زنان بود، چرا که سنت و آئین های ایزد بانوان و الهه ها که اشاره به دوره ای مدارسالاری دارند هنوز تا حدودی بر جامعه ای باستانی اعراب حاکم بود. در این ارتباط، توجه به جای گاه والای سه الهه ای قدرتمند لات، منات و عزی و همچنین فرمانروایی ملکه صبا (بلقیس) خود نیازمند بحثی جداگانه است.

در حاشیه، باید اشاره ای ناگزیر به ضد حمله ای اسلامی ها نیز در این ارتباط پرداخت که بر اساس برخی حقایق تاریخی از ایران باستان می گویند که زنده به گور کردن در اصل یک سنت باستانی ایرانی است و به نقل قول هایی از «هرودوت»، «ویل دورانت»، «کتزیاس» و «زرین کوب» در زنده به گور کردن مردم می پردازند.

به رغم درستی برخی از این وقایع، نکته ای که به عمد یا غیر عمد از قلم می افتد اینست که این موضوعات نه تنها بخشی از فرهنگ مردم نبوده، بلکه ارتباطی با کشتار نوزادان دختر ندارد و همچنین این که این رخداد های مکتوب در تاریخ باستان بیشتر جنبه ای سیاسی داشته و به عنوان مجازات به کار می رفته است (برای مثال، زنده به گور کردن مزدکیان) و در برخی موارد نادر جنبه ای مذهبی داشته که «قربانی» کردن انسان در تمامی جوامع باستان کمابیش وجود داشت. [